نیره ساری
پرونده
چالش‌های حرفه خبرنگاری

اصول حرفه‌ای و اخلاقی خبرنگاری از نگاه رهبر معظم انقلاب

بدون خبرنگار لحظه‌ها ماندگار نمی‌شود

شغل خبرنگاری یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین مشاغل در دنیای امروز است. خبرنگاران نقش بزرگی در انتقال اطلاعات، آگاهی‌رسانی به مردم و حتی تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های عمومی دارند، اما همان‌طور که در بسیاری از شغل‌ها، رعایت اصول اخلاقی و شرعی مهم است، خبرنگاری نیز نیاز به توجه ویژه‌ای به مسائل حلال و حرام دارد. صداقت و امانتداری، حفظ کرامت انسانی، اجتناب از نشر گناه، رعایت انصاف و بی‌طرفی، ممانعت از انتشار اخبار و اطلاعات دروغین، پرهیز از نشر محتواهای غیر اخلاقی یا تحریک‌آمیز، حساسیت در پوشش اخبار سیاسی و اجتماعی، رعایت حقوق مالکیت معنوی، حفاظت از اسرار و اطلاعات محرمانه و در نهایت حمایت از ملت مستضعف و به صورت کلی حقوق بشر تنها بخش‌های مهمی است که در وهله اول به ذهن می‌رسد و به عنوان اصول اخلاقی در اینجا شغل باید مدنظر قرار گیرد. در این زمینه مقام معظم رهبری فرمایشاتی روشنگرانه دارند.

■■■

بی‌تردید یک خبرنگار علاوه بر اینکه باید همواره تلاش کند تا با صداقت، بی‌طرفی و رعایت حقوق دیگران، حرفه خود را با دقت و مسئولیت‌پذیری انجام دهد موارد دیگری هم جزئی‌تر از این کلیات باید رعایت کند. از نظر رهبر معظم انقلاب «سبک زندگی» بخش اصلی و نرم‌افزاری «تمدن نوین اسلامی» است و اکنون انقلاب اسلامی به مرحله‌ای رسیده که باید توانمندی و نوزایی خود را در این بخش به نمایش بگذارد. اما ابعادی که تاکنون رهبر انقلاب در این زمینه معرفی کرده‌اند محدود به الگوهای رفتار فردی و حوزه زندگی فردی نشده و حوزه‌های رفتار اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. رفتار کنشگران سیاسی و فعالان اجتماعی نیز از جمله مواردی است که ایشان در حوزه سبک زندگی به آن اشاره کرده‌اند. آسیب‌شناسی‌ها و گلایه‌های ایشان از برخی رفتارهای خارج از چارچوب‌های اخلاق رسانه‌های ساینه‌ای دیرینه دارد. در ادامه فرازهایی از بیانات ایشان در دیدارهای مختلف آمده است:

– هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک جراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ می‌تواند افکار درست را افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. البته اصل قطعی در این باب این است که باید از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام می‌دهند که با دشنام یا تهمت و فریب و دروغ یا افکار عمومی مواجه می‌شوند، باید به شدت اجتناب کرد. باید حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زیست عاطفه و عواطف انسانی و به کارگیری اخلاق منتشر کرد. امروز همه ما باید در این میدان حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و به سهمی که در این راه دارم. ۱۴۰۰/۷/۵

– اگر زحمات شما [خبرنگارها] نباشد، این لحظه‌ها هرگز ماندگار نمی‌شود... شما آن را حفظ می‌کنید و در اختیار افکار مردم قرار می‌دهید. بدون این دوربین‌ها، قلم‌ها و دلسوزی‌های شما برای تهیه و تنظیم اخبار و مطالب، این کارهای ما مثل یک چیزهای تثبیت نشده است

غیره - نقش ایفا کند. ۱۳۸۳/۹/۱۱

– امروز در دنیا چالش‌ها و درگیری‌ها چالش‌های رسانه‌ای است. بیش از آنچه موشک و پهپاد و هواپیما و ابزارهای جنگی و مانند اینها تأثیر بگذارند در عقب رانده شدن دشمن، رسانه‌ها هستند که تأثیر می‌گذارند و دل‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ذهن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جنگ، جنگ رسانه‌ای است. هر کس رسانه قوی‌تر داشته باشد، در اهدافی که دارد - هر هدفی - موفق‌تر خواهد بود.» ۱۴۰۳/۱/۶

– شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است. این فرمایشی است. ما امروز یک میدانی داریم که میدان رسانه‌ای است. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا یک چنین دنیایی است. ۱۳۸۴/۳/۲۸

– رسانه می‌تواند در نهضت تولید علم و فکر و نظریه و اندیشه در زمینه‌های مختلف - چه در زمینه فنی و چه در زمینه انسانی و اجتماعی با سرعت و حجیم زیاد اخبار، ما را تحت فشار قرار دهند. اما من باید همواره به یاد داشته باشم که خبرنگاری چیزی بیشتر از نقل و انتقال اطلاعات است. خبرنگاری یعنی «انتقال حقیقت». این یعنی وقتی همه در تلاشند تا اول باشند، من باید به دنبال درست بودن باشم.

من یک خبرنگارم... با اینکه هر روز با خبرهای تلخ و غمگین روبه‌رو می‌شوم، اما همیشه به این باور دارم که در دل هر بحران، راهی برای امید وجود دارد. هر داستانی که می‌نویسم، می‌تواند زندگی کسی را تغییر دهد. یک صدای خاموش، اینه گوش دیرا می‌ساند یا یک حقیقت بزرگ را آشکار کند. این قدرتی است که خبرنگاری به من داده و من نمی‌توانم آن را نادیده بگیرم.

من یک خبرنگارم... و حتی وقتی دیگران به خانه می‌روند، من همچنان در تلاش هستم تا حقیقت را کشف کنم. شاید در این شغل، لحظاتی باشد که خستگی و فشار کاری به من غلبه کند، اما هرگاه به پای آورم که آگاهی و اطلاع‌رسانی مهم‌ترین ارکان جامعه‌های سالم هستند، دوباره به قدرت به میدان می‌روم.

من یک خبرنگارم... و در روز خبرنگار به یاد می‌آورم که این حرفه به فقط یک شغل یا یک ماموریت است. ماموریتی برای بیان حقیقت، برای اطلاع‌رسانی دقیق و برای حفظ اعتماد مردمی که همیشه به ما نگاه می‌کنند تا حقیقت را از مردم تشخیص دهند. خبرنگاری مسئولیتی است که هیچ‌گاه نمی‌توان آن را به سادگی کنار گذاشت. این یک تعهد است که همیشه به دوش ماست.

من یک خبرنگارم... و به همین دلیل همیشه در وضعیت آماده‌باش قرار دارم. زندگی من شبیه فیلم‌های اکشن است نه به خاطر هیجان‌انگیز بودن، بلکه به دلیل اینکه هر لحظه ممکن است خبری جدید وارد شود، حوادث غیرمنتظره پیش بیاید و من مجبور باشم با سرعت عمل کنم. شاید اما تا ماه‌ها که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم! این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ آن را متهم کند؛ از رسانه بیگانه - رسانه مغرض انگلیس - شاهد درایش بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت می‌دهند، متهم بکند؛ این اشکال به اینها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگ‌تری است. ۱۳۸۸/۶/۲۹

– حتی اگر چنانچه فرض کنیم یک نفری هم کرده است، این جرم در دادگاه صالح اثبات هم شده است. این شخص به مجازات محکوم هم شده است - فرض کنید رفته زندان - چه لزومی دارد ما اسم او را در روزنامه‌ها منتشر کنیم تا بچه این ادم که دارد مدرسه می‌رود، دیگر رویش نشود مدرسه برود؟ چه اشکال دارد که این مدت زندانش را بگذراند، آغاز کند زندگی‌اش را، بعد بیرون، خودش و خانواده‌اش زندگی عادی‌شان را ادامه دهند؟ خب، جرمی کرد، مجازات شد، تمام شد دیگر. باید حتماً آبروریزی بشود؟ این از نکات بسیار مهمی است. البته محاکمه این حرف فقط قوه قضائیه نیست؛ مسئولان قوه، خارج قوه، رسانه‌ها محاکمه‌اند. به او آن طرف باید عملکرد قوه قضائیه را زیر سؤال برد؛ هر اقدامی که قوه‌قضائیه می‌کند، بگویند نخیر، یک کلمه‌ای زیر نیم‌کلمه هست، یک غرضی هست - نخیر، کسی نباید اینجور عمل کند، اینجور حرف بزند - نه از این طرف، افراد به صرف اینکه متهم به یک معنایی شدند، این اتهام آشکار شود، واضح شود، در افکار عمومی مطرح شود. افکار عمومی از این مسئله چه لذتی می‌برد؟ برای افکار عمومی چه فایده‌ای دارد که بدانند زیدی، عمروی، بکری متهم به فلان عمل خلافی است؟ باید به اینها توجه کرد. ۱۳۹۰/۴/۶

نگاه مردم کوچه و بازار به شغل خبرنگاری

آنان زندگی شخصی را فدای خبر می‌کنند

دنیای امروز پر از شلوغی و بی‌وقفه در حال حرکت است اما در این هیاهو، خبرنگاران به نوعی نقش راهنما را ایفا می‌کنند؛ آنها چشم و گوش جامعه‌اند و در دل این آتش، همیشه در جست‌وجوی حقیقت هستند. خبرنگاری چیزی بیشتر از نوشتن گزارش است؛ این یک زندگی است که از هر راه‌پای یک مراف و هوشیار بود اما سؤال اینجاست: آیا اگر ما خبرنگار بودیم، زندگی‌مان تغییر می‌کرد؟ آیا این شغل به واقع آن طور که به نظر می‌رسد، جذاب و هیجان‌انگیز است؟

■■■

■ نگاه به دنیای خبرنگاری؛ رؤیا یا مسئولیت؟

برای خیلی‌ها، خبرنگار بودن یعنی دسترسی به اطلاعات پشت پرده، سوءاستفاده از موقعیت‌ها یا اینترنت رایگان و رفتن به ناکجا آبادهایی که هر کسی امکان رفتن به آنجا ندارد. برای برخی دیگر یعنی توانایی تأثیرگذاری بر جامعه در حوزه‌های مختلف. شغلی که ظاهر جذاب و پرهیجان است، اما آیا همه می‌توانند فضاهای آن را تحمل کنند؟ یکی از چوان‌ترهایی که در خیابان با او صحبت کردیم، از جذابیت خبرنگار بودن گفت. اما بلافاصله به چالش‌های این شغل اشاره کرد: «فکر می‌کنم خبرنگار بودن خیلی هیجان‌انگیزه. اما می‌تونه به موضوعاتی بپردازه که شاید هیچوقت به ذهن مردم نرسه. یکی خب، همیشه به استرس خاصی همراهش هست. یعنی وقتی خبری پیش میاد، همه‌چیز به هم می‌ریزه و باید سریع واکنش نشون بدی.»

زندگی متفاوتی است که هر کسی نمی‌تواند در آن دوام بیاورد.

■ یک خبرنگار، یک زندگی متفاوت

اگر خبرنگار بودیم، چه چیزی از زندگی‌مان تغییر می‌کرد؟ شاید این سؤال برای کسانی که هیچوقت این شغل را تجربه نکرده‌اند، سخت باشد، ولی در میان پاسخ‌هایی که از مردم گرفتیم، یکی از نکات مشترک این بود که خبرنگار بودن به معنای قربانی کردن بخشی از زندگی روزمره است. وقتی از یکی از خبرنگارها که به تازگی فارغ‌التحصیل شده بود پرسیدیم: «اگر خبرنگار بودید، چه کارهایی می‌کردید؟»

او جواب داد: «من دوست داشتم بیشتر در زمینه مسائل اجتماعی کار کنم. مثلاً مشکلات محله‌ها یا گزارش‌هایی درباره وضع بهداشت و درمان در مناطق کمتر توسعه‌یافته. فکر می‌کنم اینگونه می‌شه که واقعاً می‌تونی برای تغییرات جامعه قدم برداری.»

در این مسیر، بسیاری از افرادی که در خیابان‌ها ملاقات کردم، گفتند اگر فرصتی برای خبرنگار شدن داشتند، بیشتر به «صدای مردم» تبدیل می‌شدند. به گفته‌های جوان دیگری که شغل آزاد داشت: «گزارش‌هایی از مشکلات اقتصادی می‌نوشتم که بیشتر به درد مردم بخوره. مسائلی که در زندگی روزمره‌شون تأثیر مستقیم دارم.»

به نظر می‌رسد خبرنگارها معمولاً با این چالش روبه‌رو هستند که هرچه بیشتر به دنیای واقعی و نیازهای مردم نزدیک شوند، مشکلات و مسائل جامعه برای‌شان ملموس‌تر می‌شود. این شغل، حتی برای کسانی که در آن نیستند، همیشه از بیرون جذاب به نظر می‌رسد اما برای خبرنگاران واقعی، این زندگی به‌طور مداوم درگیر دغدغه‌های مختلفی است.

■ خبرنگاری؛ یک زندگی ۲۴ساعته

این پرسش که «چه توقعاتی از مردم و خواننده‌ها دارید؟» وقتی مطرح شد، هرکسی به نوعی زندگی خبرنگاری را از زاویه شخصی‌اش می‌دید. زندگی خبرنگارها گاهی چنان به سرعت می‌گذرد که ممکن است شب‌ها خانواده حتی متوجه نباشند چه بر روز خبرنگار گذشته است. یکی از پدران که چند سالی منتقل کنند؟ هر گزارش، هر یادداشت، هر خبری که به قلم می‌آید برای من یک ماموریت بزرگ است؛ مسئولیتی که هیچ وقت نمی‌توانم آن را سبک بگیرم.

من یک خبرنگارم... نه تنها در مواقع بحران، نه تنها در میان جنگ‌ها و بلایای طبیعی، بلکه در دل روزهای عادی هم باید با چشمانی تیزبین و قلبی پر از همدلی به جهان اطراف نگاه کنم. چون همه چیز همیشه در حال تغییر است و باید توانایی درک آن را داشته باشم، حتی در شرایطی که دیگران شاید آن را نادیده بگیرند یا فراموش کنند.

من یک خبرنگارم... در دنیای شبکه‌های اجتماعی و اخبار فوری، من باید به چاق رقابت با سرعت، به دنبال دقت و مسئولیت باشم. شاید رسانه‌های اجتماعی با سرعت و حجم زیاد اخبار، ما را تحت فشار قرار دهند، اما من باید همواره به یاد داشته باشم که خبرنگاری چیزی بیشتر از نقل و انتقال اطلاعات است. خبرنگاری یعنی «انتقال حقیقت». این یعنی وقتی همه در تلاشند تا اول باشند، من باید به دنبال درست بودن باشم.

من یک خبرنگارم... با اینکه هر روز با خبرهای تلخ و غمگین روبه‌رو می‌شوم، اما همیشه به این باور دارم که در دل هر بحران، راهی برای امید وجود دارد. هر داستانی که می‌نویسم، می‌تواند زندگی کسی را تغییر دهد. یک صدای خاموش، اینه گوش دیرا می‌ساند یا یک حقیقت بزرگ را آشکار کند. این قدرتی است که خبرنگاری به من داده و من نمی‌توانم آن را نادیده بگیرم.

من یک خبرنگارم... و حتی وقتی دیگران به خانه می‌روند، من همچنان در تلاش هستم تا حقیقت را کشف کنم. شاید در این شغل، لحظاتی باشد که خستگی و فشار کاری به من غلبه کند، اما هرگاه به پای آورم که آگاهی و اطلاع‌رسانی مهم‌ترین ارکان جامعه‌های سالم هستند، دوباره با قدرت به میدان می‌روم.

من یک خبرنگارم... و در روز خبرنگار به یاد می‌آورم که این حرفه نه فقط یک شغل یا یک ماموریت است. ماموریتی برای بیان حقیقت، برای اطلاع‌رسانی دقیق و برای حفظ اعتماد مردمی که همیشه به ما نگاه می‌کنند تا حقیقت را از مردم تشخیص دهند. خبرنگاری مسئولیتی است که هیچ‌گاه نمی‌توان آن را به سادگی کنار گذاشت. این یک تعهد است که همیشه به دوش ماست.

من یک خبرنگارم... و به همین دلیل همیشه در وضعیت آماده‌باش قرار دارم. زندگی من شبیه فیلم‌های اکشن است نه به خاطر هیجان‌انگیز بودن، بلکه به دلیل اینکه هر لحظه ممکن است خبری جدید وارد شود، حوادث غیرمنتظره پیش بیاید و من مجبور باشم با سرعت عمل کنم.

هر روز در دنیای پیچیده‌ای زندگی می‌کنیم که هیچ‌چیز آنطور که به نظر می‌آید نیست. اخبار شایعه و تحریف، نظرات پراکنده و رویدادهای سریع باعث می‌شود هر لحظه از من انتظار دقت بیشتری داشته باشند. برای من، استماع کردن یک اشتباه بزرگ است؛ بنابراین مسئولیت من این است که همیشه یک قدم جلوتر از کسانی باشم که می‌خواهند حقیقت را دگرگون کنند.

من یک خبرنگارم... گاهی ساعت‌ها به این فکر می‌کنم که آیا چیزی که نوشتم واقعاً به درستی بیانگر آن چیزی است که اتفاق افتاده است؟ آیا کلمات من توانسته‌اند آنچه که باید دیده و شنیده می‌شد، به درستی منتقل کنند؟ هر گزارش، هر یادداشت، هر خبری که به قلم می‌آید برای من یک مسئولیت بزرگ است؛ مسئولیتی که هیچ وقت نمی‌توانم آن را سبک بگیرم.

من یک خبرنگارم... نه تنها در مواقع بحران، نه تنها در میان جنگ‌ها و بلایای طبیعی، بلکه در دل روزهای عادی هم باید با چشمانی تیزبین و قلبی پر از همدلی به جهان اطراف نگاه کنم. چون همه چیز همیشه در حال تغییر است و باید توانایی درک آن را داشته باشم، حتی در شرایطی که دیگران شاید آن را نادیده بگیرند یا فراموش کنند.

من یک خبرنگارم... در دنیای شبکه‌های اجتماعی و اخبار فوری، من باید به چاق رقابت با سرعت، به دنبال دقت و مسئولیت باشم. شاید رسانه‌های اجتماعی با سرعت و حجم زیاد اخبار، ما را تحت فشار قرار دهند، اما من باید همواره به یاد داشته باشم که خبرنگاری چیزی بیشتر از نقل و انتقال اطلاعات است. خبرنگاری یعنی «انتقال حقیقت». این یعنی وقتی همه در تلاشند تا اول باشند، من باید به دنبال درست بودن باشم.

من یک خبرنگارم... با اینکه هر روز با خبرهای تلخ و غمگین روبه‌رو می‌شوم، اما همیشه به این باور دارم که در دل هر بحران، راهی برای امید وجود دارد. هر داستانی که می‌نویسم، می‌تواند زندگی کسی را تغییر دهد. یک صدای خاموش، اینه گوش دیرا می‌ساند یا یک حقیقت بزرگ را آشکار کند. این قدرتی است که خبرنگاری به من داده و من نمی‌توانم آن را نادیده بگیرم.

من یک خبرنگارم... و حتی وقتی دیگران به خانه می‌روند، من همچنان در تلاش هستم تا حقیقت را کشف کنم. شاید در این شغل، لحظاتی باشد که خستگی و فشار کاری به من غلبه کند، اما هرگاه به پای آورم که آگاهی و اطلاع‌رسانی مهم‌ترین ارکان جامعه‌های سالم هستند، دوباره با قدرت به میدان می‌روم.

من یک خبرنگارم... و در روز خبرنگار به یاد می‌آورم که این حرفه نه فقط یک شغل یا یک ماموریت است. ماموریتی برای بیان حقیقت، برای اطلاع‌رسانی دقیق و برای حفظ اعتماد مردمی که همیشه به ما نگاه می‌کنند تا حقیقت را از مردم تشخیص دهند. خبرنگاری مسئولیتی است که هیچ‌گاه نمی‌توان آن را به سادگی کنار گذاشت. این یک تعهد است که همیشه به دوش ماست.

من یک خبرنگارم... و به همین دلیل همیشه در وضعیت آماده‌باش قرار دارم. زندگی من شبیه فیلم‌های اکشن است نه به خاطر هیجان‌انگیز بودن، بلکه به دلیل اینکه هر لحظه ممکن است خبری جدید وارد شود، حوادث غیرمنتظره پیش بیاید و من مجبور باشم با سرعت عمل کنم.

توصیف یک حرفه در چند جمله ساده

من یک خبرنگارم

هر روز در دنیای پیچیده‌ای زندگی می‌کنیم که هیچ‌چیز آنطور که به نظر می‌آید نیست. اخبار شایعه و تحریف، نظرات پراکنده و رویدادهای سریع باعث می‌شود هر لحظه از من انتظار دقت بیشتری داشته باشند. برای من، استماع کردن یک اشتباه بزرگ است؛ بنابراین مسئولیت من این است که همیشه یک قدم جلوتر از کسانی باشم که می‌خواهند حقیقت را دگرگون کنند.

من یک خبرنگارم... گاهی ساعت‌ها به این فکر می‌کنم که آیا چیزی که نوشتم واقعاً به درستی بیانگر آن چیزی است که اتفاق افتاده است؟ آیا کلمات من توانسته‌اند آنچه که باید دیده و شنیده می‌شد، به درستی

وقتی همه خبرنگارند چه کسی را باور کنیم؟

نیره محمودی

در دنیای امروز، کافی است گوشی تلفن همراهی در دست داشته باشی تا بتوانی واقعه‌ای را ثبت، منتشر و تحلیل کنی. از دل یک خیابان بی‌نام در یک شهر دورافتاده تا قلب پایتخت‌های پرهیاهو، حالا دیگر خبر، فقط از دهان خبرنگار رسمی در استودیوهای پرزرق و برق یا گزارشگران با لوگوی شبکه در دست نمی‌آید. شهروندانی که تا دیروز تنها مصرف‌کننده اخبار بودند، امروز خود تولیدکننده‌اند؛ آن هم در مقیاسی وسیع، بی‌مرز و بی‌واسطه. در این میان، مرز میان حقیقت و روایت، گزارش و تفسیر و حتی بین راوی و بازیگر خبر، به شکلی خطرناک در حال فرو ریختن است. در واقع شهروند خبرنگاری هم امیدبخش است، هم مسئله‌ساز. بسیاری از واقعیت‌هایی که پیش‌تر امکان دیده‌شدن نداشتند، امروز از دل دوربین موبایل‌ها سر برمی‌آورند. اما در همین فضای شلوغ و متنوع، چه کسی روایت دقیق‌تری ارائه می‌دهد؟ چه کسی مسئول صحت ماجراست؟ آیا شهروند خبرنگار باید استانداردهای حرفه‌ای داشته باشد؟ واصلاً آیا خبرنگاری به عنوان یک شغل تخصصی در این سیل محتوا زنده می‌ماند؟ در جهانی که همه از چیزی خبر می‌دهند، سؤال اصلی این است: چه کسی را باید باور کنیم؟

■■■

خبر در مشت همگان: زمانی نه‌چندان دور، خبر چیزی بود که هر یک از ما می‌دید. مردم منتظر بودند تا روزنامه برسد، رادیو روشن شود یا اخبار شبانگاهی تلویزیون آغاز گردد. این فرایند، به خودی خود نوعی نظم و ساختار به گردش اطلاعات می‌داد. خبرنگار، سردبیر، دبیر خبر و سپس رسانه‌نشر کننده، اما امروز دو قرن با یک تلفن همراه می‌تواند در یک لحظه تصویری بگیرد، متنی بنویسد و آن را در معرض دید هزاران یا میلیون‌ها نفر قرار دهد. این تحول تکنولوژیک، از یک سو باعث شکسته شدن انحصار رسانه‌ای شد، اما از سوی دیگر، خلأ عمیق «صحت» را نیز به هم زد. رسانه دیگر آن جعبه جادویی بزرگ نیست، بلکه انگشت کسی است که در لحظه‌ای خاص دکمه ارسال را می‌زند. اما آیا هر آن چه دیده می‌شود، باید باور شود؟ یا هر تصویر لرزوا خبر است؟ و از همه مهم‌تر، آیا در جهانی که همه می‌توانند اطلاع‌رسانی کنند، هنوز می‌توان به معنای کلاسیک از «خبرنگار» صحبت کرد؟

چرخش اعتماد: در گذشته، خبرنگار با نام و رسانه‌اش شناخته می‌شد. حتی اگر منتقد رسانه‌اش بود، می‌دانستیم مسئولیت آن چه منتشر می‌کند به پای چه کسی نوشته می‌شود. اما در جهان شبکه‌های اجتماعی، این وابستگی از بین رفته است. خبر دیگر امضای مشخصی ندارد؛ گاه از دل یک کانال بی‌نام در تلگرام بیرون می‌زند، گاه از توییتی که هویتش معلوم نیست. مخاطب، در مواجهه با این محتواها، به‌جای اتکا به مرجعیت منبع، ناگزیر است به طرفان ظاهری «تکیه کند: آیا تصویر واضح است؟ آیا بمتن قانع‌کننده است؟ آیا دیگران هم آن را بازنشر کرده‌اند؟ این تغییر، ساختار اعتماد رسانه‌ای را دگرگون کرده است.

چرخش اعتماد از رسانه‌های حرفه‌ای به محتوای شبکه‌های اجتماعی، ناشی از دو عامل است: بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی و فقدان رسانه‌های آزاد و مستقل در چارچوب قانونی. نتیجه؟ خلق یک فضای خاکستری که در آن دروغ و واقعیت به سختی از یکدیگر بازشناسه می‌شوند.

خبرنگار یا روایتگر؟: یکی از بحران‌های مفهومی در دوران جدید، تفکیک میان «خبرنگاری» و «روایتگری» است. در حالی که خبرنگار موظف است از اصول راستی‌آزمایی، چندجانبه‌گرایی و دقت پیروی کند، روایتگر شهروندی ممکن است صرفاً تجربه زیسته یا ادوایه‌ید شخصی خود را منتشر کند - گاهی واقعی، گاهی اغراق‌آمیز و گاهی ناخودآگاه تحریف‌شده در بسیاری موارد، شهروند خبرنگار نیت دروغگویی ندارد. اما او به ابزارها، حساسیت‌ها و تعهداتی که یک خبرنگار حرفه‌ای دارد، دسترسی ندارد. این شکاف گاهی به بروز روایت‌های نادرست یا جهت‌دار می‌انجامد. روایت‌هایی که با سرعت نور دست‌به‌دست می‌شوند، پیش از آن که حتی امکان تصحیح آنها فراهم باشد.

سیاست، رسانه، روایت: گاه یک روایت رسمی و درست، تنها به‌خاطر منبعش مورد تردید قرار می‌گیرد و برعکس، یک ویدئوی کوتاه، تنها به‌دلیل اینکه از دل مرز بیرون آمده، در چشم مخاطب اعتبار می‌یابد. در این فضا، حقیقت قربانی هیجان می‌شود و رسانه‌های رسمی به جای اینکه مورد توجه مخاطب قرار گیرند، به خاطر عملکرد نادرست عده‌ای شهروند خبرنگار، نادیده گرفته می‌شوند.

مسئولیت مخاطب: در جهانی که هر فرد می‌تواند خبرنگار باشد، مخاطب دیگر یک دریافت‌کننده منفعل نیست، بلکه به نوعی، نقش سردبیر را هم بر عهده دارد. انتخاب می‌کند چه چیزی را ببیند، باور کند یا بازنشر کند. در این معنا «مسئولیت رسانه‌ای» به مخاطب نیز منتقل شده است. اما این مسئولیت، بدون آموزش، رسانه‌های مدنی و دانشگاه‌های ما چیزی به‌نام سواد رسانه‌ای آموزش داده می‌شود؟ یا مخاطب ایرانی می‌داند که چطور منبع خبر را بررسی کند؟ یا صرفاً بر اساس هیجان، واکنش فوری نشان می‌دهد؟

خبرنگاری شغل و مهارتی است که در آن صداقت، دقت و راستی‌آزمایی اصل است. اما در جهانی که هر گوشی هوشمند یک تریبون است، مرز خبرنگار و مخاطب، در حال فروپاشی است. اگر فرصت‌هایی برای دموکراتیک‌شدن اطلاعات فراهم کرده، اما بدون نظام‌مندی، آموزش و مسئولیت‌پذیری، ممکن است بیشتر به اغتشاش بینجامد تا روشنگری. در چنین دنیایی هنوز هم خبرنگارند، اما چه کسی را باید باور کرد؟ «این پرسش است که پاسخش نه در حذف خبرنگاران حرفه‌ای، بلکه در احیای اعتماد، تقویت آموزش رسانه‌ای و بازسازی رابطه میان روایت و واقعیت نهفته است.

■■■

خبرنگار شریک منصف جامعه و حاکمیت است، نه فقط گزارشگر حوادث، بلکه یل از تباطی میان مردم و حاکمیت» این جمله را حجال خوش‌چهره، روزنامه‌نگار پیشکسوت و سردبیر خبرگزاری ایرنا می‌گوید. کسی که سال‌ها قلمش میان بحران‌ها ایستاده و امروز از دغدغه‌های حرفه‌ای، مسئولیت‌های اجتماعی، چالش‌های خانوادگی خبرنگاران و حتی تهدیدهای هوش مصنوعی برای عمق معرفتی این حرفه می‌گوید. در مقدمه است وقتی نتاوانده‌ها، جامعه و حتی حاکمیت، جایگاه واقعی خبرنگار را درک کنند. آن وقت است که او نوسان نقش آفرینی در انسجام اجتماعی واقعی را خواهد داشت. متن زیر ماحصل گفت‌وگوی «جوان» با وی است.

■■■

با تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید. به نظر شما خبرنگاران چگونه در عرصه کاری خود می‌توانند در ساختن امید و انسجام اجتماعی نقش داشته باشند؟

خبرنگار به معنای خبر سرو کار دارد و در این میان، باید مفهوم «جامعه» را در سوءظن «جامعه مدنی» و «حاکمیت» تفسیر کند. خبر یعنی ارتباط و خبرنگار باید همیشه حرف‌های تازه داشته باشد و بتواند چشم‌اندازی از آینده توانمند، میان‌مدت و بلندمدت را برای مخاطبان ترسیم کند. این یعنی انتظاری که جامعه از خبرنگار دارد. عبارت دیگر، نماینده افکار عمومی در برابر حاکمیت باشد. جامعه انتظار دارد خبرنگار نماینده آن باشد یا خود خبرنگار به نمایندگی از جامعه بیاید؟ این قدرت بیرونی داشته باشد. جامعه انتظار دارد خبرنگار در انتشار خبر خود به شرط اساسی مشروعیت، اعتبار و مرجعیت را رعایت کند. از خبرنگار انتظار می‌رود توانایی و دقت لازم را در کارش داشته باشد و از شجاعت، نوآفرینی و مرگ‌ستیزی از لایه‌های پنهان تحولات و رخدادها بر خوردار باشد. همچنین انتظار می‌رود، خبرنگار با صداقت و شجاعت عمل کند. طوری که زمینه این صداقت و شجاعت را بحران‌هایی مثل کرونا گرفته تا رخدادهای امنیتی یا حوادث غیرمترقبه، شب و روز و تعطیلی و عید هم برای ما معنایی دارد. رفقا باید گفت عید خبرنگاران، مثل عید نیروهای نظامی است؛ همیشه آماده باش و همیشه در صحنه. این موضوع، برای خانواده‌ها سنگین است. وقتی می‌خواهند میهمانی بدهند یا جمع خانوادگی برگزار کنند، خبرنگار باید از خبرنگار خودش باشد. اینجا باز به «خرگ متقابل» پیش می‌آید گاهی خانواده می‌پذیرد، گاهی هم نه و طبیعی است.

وقتی خبرنگار به منطقه خطر می‌رود، نگرانی خانواده‌ها دوچندان است. جامعه از خبرنگار انتظار دارد برگرد، بدون آن هم به موقع اما خانواده خبرنگار نگران سلامتی و امنیت عزیزشان است. به همین دلیل است که می‌گویند خبرنگاری شغلی سخت و زیان‌آور است. وقتی در دستمبندی مشاغل سخت، بحث و زیان آور گرفتن ممنون، خبرنگاران قرار دارند. خبرنگار باید همیشه در خط مقدم حادثه حاضر باشد. خطر سختی‌ش بی‌تناتی شغلی و ناملمی، همگی با ماهیت خبرنگاری در هم تنیده‌اند. چه خبرنگار باشم باشد، چه اقا. خانواده‌های شان با مشکلات خاصی روبه‌رو هستند. مثلاً یک خانم خبرنگار، ممکن است همسرش از او انتظار داشته باشد در خانه باشد. کارهای خانه انجام دهد، با بچه‌داری کند اما باید وسط صحنه باشد. حتی روزهای تعطیل!

چگونه یک خبرنگار فضای مناسبی برای نقد سازنده و آزادی بیان را در جامعه ایجاد کند؟

خبرنگارانی که در رسانه‌ها و فضای مجازی فعالیت می‌کنند، همواره باید تلاش کنند بر اساس آموزه‌های حرفه‌ای، تجربی و علمی نقش خاطرنشین طرف «و متریک منصف» را ایفا کنند. این نقش به نسبتی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بین دیدگاه‌های حاکمیتی و افکار عمومی شکاف نقر وجود داشته باشد. در چنین شرایطی، خبرنگار موظف است با نگاهی منعهدانه به منافع ملی و امنیت کشور، صدای هر دو طرف را منعکس کند و بستری برای گفت‌وگو و مناظره ایجاد نماید تا به تفاهمی مشترک و در نهایت انسجام اجتماعی منجر شود. قضاوت درباره موفقیت در این مسیر بر عهده مخاطبان و افکار عمومی است. در عین حال، خبرنگاران با محدودیت‌ها و چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند. از جمله تلاشی شغلی، دسترسی محدود به منابع خبری، فقدان امکانات کافی و کمبود حمایت‌هایی که همتایان‌شان در برخی کشورهای دیگر از آن بهره‌مندند. با وجود این مشکلات، آنان با تمام توان و تعهد حرفه‌ای خود به کار ادامه می‌دهند و انتظار دارد جامعه، این تلاش‌ها را درک کرده و مرجعیت، اعتبار و مشروعیت کار خبرنگاری را به رسمیت بشناسد و حفظ کند. از طرفی نقد سازنده و منصفانه، اساس فعالیت رسانه‌ای است و جامعه و حاکمیت باید ظرفیت پذیرش این نقدها را داشته باشند. برخوردهای هیجانی یا بار خواست‌های غیرمنصفانه نباید باعث ترس خبرنگاران شود؛ زیرا نقد نه تخریب است و نه دشمنی، بلکه ابزاری برای ارتقای فهم و بهبود وضعیت است. از سوی دیگر، خبرنگار نیز باید محدودیت‌های حرفه‌ای و اخلاقی خود را بشناسد و در رعایت آنها متعهد باشد تا ضمن حفظ شأن کار رسانه‌ای، نقشی مؤثر و مسئولانه ایفا کند. این تعامل دوسویه میان خبرنگار، جامعه و حاکمیت می‌تواند بستری مناسب برای تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی فراهم آورد.

با توجه به توضیحاتی که فرمودید، چگونه می‌توان به عنوان خبرنگار، کنار یابیندی به آزادی بیان و نقد حرفه‌ای، به ارزش‌ها و فرهنگ خاص جامعه خود احترام گذاشت؟

من خبرنگار، باید جای پای خود را رشانسو وظیفه دارم قوانین جامعه‌ام را بشناسم. باید عرف‌ها، سنت‌ها، ف